یادداشت

سقوط قیمت نفت

فریبا نوروزی
عضو انجمن حسابرسان داخلی آمریکا

چندروز پیش خبری بازارهای دنیا را به شگفتی واداشت. رسانه‌های جهانی به ناگاه اعلام کردند قیمت نفت «وست‌تگزاس اینترمیدیت» با نفت سبک آمریکا در جریان پدیده بی‌سابقه و تاریخی با قیمت منفی روبه‌رو شده است. این خبر نه‌تنها مردم عادی که بسیاری بازیگران بازار سرمایه را هم به تعجب واداشت که مگر می‌شود قیمت یک کالا منفی یا صفر شود.

عده‌ای در توجیه این قیمت منفی مدعی شده‌اند که این قیمت منفی مربوط به قراردادهای آتی نفت است و قیمت‌های آتی یا قراردادهای آتی (لحظه‌ای) را درپر نمی‌گیرد، یا حتی در توضیحات خود تأکید می‌کنند که قیمت‌های نفتی محدود به قیمت‌های تحویل در ماه جاری و آتی است و نه ماه‌های بعدی.

قرارداد آتی «Future» چیست؟

قراردادهای آتی یا قیمت آتی در مقابل قراردادهای آتی و قیمت آتی معنا پیدا می‌کند. در قرارداد آتی، خریدار و فروشنده کالا با هم توافق می‌کنند کالای موردنظر را در قیمتی مشخص در همان لحظه معامله کنند. با این حساب قرارداد و قیمت آتی قراردادی است که در آن انجام دادوستد و قیمت‌گذاری مربوط به آینده می‌شود.

این قرارداد از گذشته‌های بسیار دور، حتی در کشور خود ما به‌صورت معاملات سلف انجام می‌شده است زیرا بسیاری کشاورزان یا باغداران نمی‌توانند نیازهای روزمره یا حتی هزینه‌های کود و بذر خود را تأمین کنند. قادر نیستند تا پایان دوره کشاورزی و برداشت محصول صبر کنند تا پول و درآمد کسب کنند. از طرف دیگر بودند کسانی که خریدار محصولات آنها بودند و برای آنکه از ریسک گرانی یا ابهام در آینده قیمت محصولات کشاورزی در امان بمانند، محصول کشاورزان را در قالب یک قرارداد، پیش از فصل برداشت با قیمتی توافقی و بر اساس توافق تحویل در فصل برداشت، خریداری می‌کردند. در این دادوستد، به شکل آتی و لحظه‌ای محصولی دست‌به‌دست نمی‌شد اما کشاورزان یا پیش‌فروش محصولات خود، در زمان حال به بخشی از درآمد آتی خود می‌رسیدند که نیازهایشان را برطرف می‌کرد و خریداران نیز تعهد تحویل محصولی در آینده را با قیمت امروز به دست می‌آوردند. در واقع در این معامله پیشینه‌دار تاریخ بشری هر دو طرف «فروشنده و خریدار»، ریسک یا خطر خرید و فروش خود را به حداقل می‌رساندند؛ هرچند در این میان کاهش یا افزایش قیمت در آینده به سود یا زیان یکی از طرفین تمام می‌شود. به طور مثال اگر جنانچه کشاورزی محصولات خود را امروز هر تن ۱۰ میلیون بفروشد و سه ماه بعد قیمت آن محصول هر تن ۱۵ میلیون تومان شود، به اندازه‌ای عمیق شده و توانسته است در سال‌های اخیر از تنوع لازم برخوردار شود.

تولیدات خدمات، صنعتی و کشاورزی می‌تواند پشتوانه‌ای بسیار قوی برای اقتصاد کشور باشد، اما در دو بعد دیگر می‌تواند ریسک بیشتری داشته باشد. اگر صادرات غیرنفتی کالا و خدمات را بیشتر توضیح شویم. در این دو بعد نیز می‌توانیم بیشتر مقاوم شویم. البته با توجه به تحریم‌های دو سال اخیر سهم درآمد نفتی در تأمین ارز نیز به‌شدت کاهش یافته و کشورمان توانسته است وابستگی خود را تا حدودی کاهش دهد. گرچه کاهش درآمدها مشکلاتی برای رشد اقتصادی و تورم ایجاد کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه وضع خرید قیمت نفت ادامه پیدا کند، ایران در بین کشورهای صادرکننده نفت به دلیل صادرات کم، بسیار کمتر از بقیه ضرر می‌بیند و تولید ناخالص ایران کمتر از همه کشورهای صادرکننده نفت وابسته به این بخش است.

با تغییر قیمت نفت، احتمالا با تغییراتی در چینش سیاسی و اقتصادی جهان و منطقه روبه‌رو خواهیم بود. شرایط امروز بازار برای نفت شیل آمریکا مناسب نیست و ممکن است بسیاری را ورشکست کند و بر همین اساس، در سیاست‌های انتخاباتی آمریکا مؤثر افتد. در منطقه ما عربستان بزرگ‌ترین بازنده است. زیرا قبل از سقوط قیمت نفت حدود ۶۰ میلیارد دلار کسری بودجه داشت که در صورت ادامه قیمت حدود ۲۵دلاری، کسری بودجه آن به حدود ۲۵ درصد بودجه‌اش می‌رسد. ذخایر عربستان در چند سال اخیر از حدود ۷۵۰ میلیارد دلار به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این اتفاقات در ترکیب با مسائل ناشی از کرونا و شیوه‌های برخورد با آن همه با هم می‌تواند منشأ بروز تحولات بین‌المللی و دگرگونی در روابط و جایگاه کشورها باشد.

در بعد جهانی دو سناریو را می‌توان فرض کرد؛ سناریوی اول با حضور ترامپ و سناریوی دوم بدون حضور ترامپ در ریاست‌جمهوری آمریکا. در سناریو اول، شدت سقوط آمریکا به دلیل یک جانبه‌گرایی ترامپ در همه زمینه‌ها شدیدتر خواهد شد و چین حتی قبل از سال ۲۰۳۵ به اقتصاد آمریکا می‌رسد و با ایجاد یک ائتلاف غیرآشکار علنی رهبری اقتصاد جهانی را به‌تدریج به دست می‌گیرد.

روسیه نیز از وجود ترامپ بسیار فایده خواهد برد و می‌تواند با حفظ ترامپ و سناریوی دوم بدون حضور ترامپ در ریاست‌جمهوری آمریکا، در سناریو اول، شدت سقوط آمریکا به دلیل یک‌جانبه‌گرایی ترامپ در همه زمینه‌ها شدیدتر خواهد شد و چین حتی قبل از سال ۲۰۳۵ به اقتصاد آمریکا می‌رسد و با ایجاد یک ائتلاف غیرآشکار علنی رهبری اقتصاد جهانی را به‌تدریج به دست می‌گیرد.

روسیه نیز از وجود ترامپ بسیار فایده خواهد برد و می‌تواند با حفظ ترامپ و سناریوی دوم بدون حضور ترامپ در ریاست‌جمهوری آمریکا، در سناریو اول، شدت سقوط آمریکا به دلیل یک‌جانبه‌گرایی ترامپ در همه زمینه‌ها شدیدتر خواهد شد و چین حتی قبل از سال ۲۰۳۵ به اقتصاد آمریکا می‌رسد و با ایجاد یک ائتلاف غیرآشکار علنی رهبری اقتصاد جهانی را به‌تدریج به دست می‌گیرد.

در بعد منطقه‌ای عربستان حتی با وجود ترامپ نمی‌تواند مانورهای سابق را بدهد و به‌عنوان قدرت منطقه جولان دهد و به کشورها حمله کند یا گروه‌های تکفیری ایجاد کند. کشورهای دیگر صادرکننده نفت در خلیج فارس نیز وضعیت خوبی نخواهند داشت. این در حالی است که ایدمی کووید۱۹ در زمستان امسال موج جدید اپیدمی را به همراه خواهد داشت. در یک دیدگاه بدبینانه، این بیماری نیز می‌تواند تولید پهلویان را پس بکوبند که این بیماری برای پهلویان نیز بسیار مضر است. در یک دیدگاه خوش‌بینانه، این بیماری می‌تواند تولید پهلویان را پس بکوبند که این بیماری برای پهلویان نیز بسیار مضر است. در غیر این صورت هم قیمت نفت سقوط خواهد کرد و هم رشد اقتصادی منفی برای این کشورها را بیشتر می‌کند.

در این میان، سؤال این است که کشورمان با چه راهکارهایی می‌تواند از بحران کرونا و نفت عبور کند. در پاسخ، به‌طور خلاصه و تیتروار می‌توان گفت ایران باید سیاست‌های تأمین اشتغال و جلوگیری از بی‌کاری افراد و ورشکستگی کسب‌وکارها را با قوت و اجماع ملی پیش ببرد. سیاست‌هایی برای افزایش تقاضای کل و عرضه کل طراحی شود. ساختار بودجه به‌کلی تغییر یابد، یعنی هزینه‌ها اولویت‌بندی شود و فقط بودجه برای هزینه‌های ضروری تعیین و از طرف دیگر راه‌های تأمین بودجه جدید طراحی شود. باید از نقدینگی موجود در جامعه بیشترین بهره را جست. در این زمینه افزایش مالیات در چنین شرایطی که می‌خواهیم تقاضای کل و عرضه کل را افزایش دهیم، یک سیاست خطرناک است و باید به‌طور جدی از آن پرهیز کرد. طراحی برای کل بر به‌شدت تخصصی و کاری بس ظریف است. کسب‌وکارهای ورشکسته خواهند شد و باید جای آن را کسب‌وکارهای جدید بگیرد. باید دولت سیاست‌هایی برای این جابه‌جایی عظیم بیندیشد.

«اقتصاددان، رئیس کل اسبق بانک مرکزی و دبیرکل سابق مجمع صادرکنندگان گاز

بازگشت تقاضای بالای نفت، شاید تا چند سال دیگر

سیدمحمدحسین عادلی

با سقوط بی‌سابقه قیمت نفت و حتی منفی‌شدن قراردادهای آتی، مهم‌ترین سؤالی که برای همه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پیش می‌آید این است که این وضع تا کی ادامه پیدا می‌کند. تقاضا برای نفت وابسته به رشد اقتصادی است. گرچه در سال‌های اخیر همبستگی بین این دو کاهش چشم‌گیری پیدا کرده بود، ولی همچنان تقاضای جهانی برای نفت با رشد فعالیت‌های اقتصادی رابطه تنگاتنگی دارد. در حال حاضر تقاضا حدود ۳۰ میلیون بشکه کاهش یافته به‌نابرابر قیمت‌ها سقوطی فوق‌العاده پیدا کرده است. رشد اقتصادی جهان در ۲۰۲۰ بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول به‌طور متوسط منفی سه درصد و برای برخی کشورها تا منفی هفت درصد پیش‌بینی شده است. پیش‌بینی می‌شود ۹ هزار میلیارد دلار از تولید ناخالص جهان از بین برود؛ معادل جمع تولید ناخالص ملی ژاپن و آلمان.

در واقع مشکل شرایط امروز نفت نیست، بلکه کاهش تقاضا برای انرژی در کل است و چون نفت و سوخت فسیلی همچنان بالای ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز جهان را تأمین می‌کند، بنابراین بیشترین ضربه را خورده است. به نظر می‌رسد با بازگشت فعالیت‌ها تقاضا برای نفت هم افزایش می‌یابد، اما پیش‌بینی می‌شود تقاضا در خلال یکی، دو سال یا حتی چند سال آینده به سطح تقاضای قبل نرسد، زیرا بعید است در چند سال آینده بخش حمل و نقل زمینی و هوایی، بذیرایی و هتل‌داری و توریسم به حد سابق برسد. موضوع فاصله اجتماعی سبک زندگی را تغییر می‌دهد و با این تغییر، تقاضا هم در حد پایین‌تری قرار می‌گیرد.

سؤال دیگر این است که کشورهای وابسته به نفت از جمله کشورمان چه وضعی دارند. در این‌باره باید گفت بخش نفت حداقل از سه جهت در اقتصاد ایران اثر دارد؛ اول سهم آن در تولید ناخالص داخلی، دوم سهم آن در ایجاد درآمد ارزی کشور و تراز پرداخت‌ها و سوم سهم آن در تأمین بودجه کشور. برای پیش‌بینی آینده باید حداقل این سه بعد را بررسی کنیم. از نظر تولید ناخالص داخلی سهم نفت در سال‌های اخیر به زیر ۱۵درصد سقوط کرده است. بنابراین تولید علی‌رغم به نفت وابستگی خطرناکی ندارد. به‌علاوه خدمات، صنعت و کشاورزی در حد بالایی عمیق شده و توانسته است در سال‌های اخیر از تنوع لازم برخوردار شود.

تولیدات خدمات، صنعتی و کشاورزی می‌تواند پشتوانه‌ای بسیار قوی برای اقتصاد کشور باشد، اما در دو بعد دیگر می‌تواند ریسک بیشتری داشته باشد. اگر صادرات غیرنفتی کالا و خدمات را بیشتر توضیح شویم. در این دو بعد نیز می‌توانیم بیشتر مقاوم شویم. البته با توجه به تحریم‌های دو سال اخیر سهم درآمد نفتی در تأمین ارز به‌شدت کاهش یافته و کشورمان توانسته است وابستگی خود را تا حدودی کاهش دهد. گرچه کاهش درآمدها مشکلاتی برای رشد اقتصادی و تورم ایجاد کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد چنانچه وضع خرید قیمت نفت ادامه پیدا کند، ایران در بین کشورهای صادرکننده نفت به دلیل صادرات کم، بسیار کمتر از بقیه ضرر می‌بیند و تولید ناخالص

فریدون برکشلی

در روزهای نخستین ماه آوریل سال جاری، بازار جهانی نفت با پدیده‌ای مواجه شد که هرگز در طول تاریخ ۱۵۰ ساله حیات خود با آن روبه‌رو نشده بود. اتفاقی که فقط چند هفته قبل از آن اعضای اوپک و تولیدکنندگان غیراوپک، درباره کاهش ۲۰.۲ میلیونی نفت خود صحبت می‌کردند و از آن سوی فضای مجازی، وزیر مکزیکی برای ۱۰ دقیقه بارها با رئیس‌جمهور آمریکا گوش گرفته بود، جزو آمد که بازار جهانی نفت در بهترین شرایط ممکن، ۲۵ میلیون بشکه در روز مازاد عرضه دارد و در سناریوهای دیگر تا ۳۵ میلیون بشکه در روز مازاد هم برآورد شد. البته این برآوردها مربوط به نیمه اول ۲۰۲۰ است. از نیمه دوم سال و از ۲۰۲۱ برآوردها مبهم است. بیشتر به این گاه که از مدل‌های اقتصادی استفاده شده، حدس و گمان‌ها مبنای پیش‌بینی‌هاست.

حالا برای تعیین و برآورد عرضه و تقاضای جهانی نفت، از پزشکان و میکروب‌شناسان دعوت می‌کنند. برایم خیلی جالب است. یاد ۱۹۸۶ افتادم که اوپک برای تخمین عرضه و برآورد تقاضا برای نفت خام اوپک، از هواشناسان دعوت می‌کرد تا از میزان بروت هوا خبر بیاورند. این برای نفت کسانی‌که نه‌تنها ۶۰درصد از درآمدی دیناست، یک واقعیه مهم است. البته این بار این واقعیه در مواجهه با یک ویروس سخت فراگیر، در بستر دنیایی جهانی شده و درهم‌تنیده، مفاهیم و تعاریف متداول دورانی که از ساختار بازار جهانی نفت می‌گفتیم، فرار نرفته و حرکت‌آور آن است که از میانه موتور اصلی رشد تقاضای جهانی نفت، چین سرچشمه گرفت.

اوپک برای بیش از سه دهه بازار جهانی نفت را مدیریت کرد. اوپک در ۱۹۸۳ بیش از ۳۲ میلیون بشکه در روز تولید می‌کرد. بحران ۱۹۸۵-۱۹۸۶ میزان تولید نفت اوپک را به ۱۳.۷ میلیون بشکه در روز تولید رساند. اوپک در آستانه دوره به ۲۰۲۰ هم ۳۲ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کرد؛ البته دون ونزوئلا و ایران و بخشی از تولید لیبی؛ زیرا اساسا وقتی شرکت‌های بین‌المللی از اوپک رفتند، عملا تولیدشان به‌شدت پایین آمد. البته ظرفیت‌سازی در حد حفظ میان سطح از تولید و جبران افت ظرفیت چاه‌ها بود. اکنون هم بعد از ۳۰ سال سقف تولید اوپک در همان حد باقی است. تاریخ تکرار شد. گویی اوپک بنا به ۳۲ میلیون بشکه در روز سهم دارد یا ۳۰ میلیون بشکه. از اواسط دهه دوم قرن ۲۱ برای بازار جهانی نفت ثابت شد که اوپک نه‌تنهایی نمی‌تواند و نمی‌خواهد بازار نفت را مدیریت کند. ازاین‌رو اوپک به تولیدکنندگان غیراوپک روی آورد که روسیه در رأس آنها قرار داشت. این همکاری به تاسیس پیمانی منجر شد که اوپک‌پلاس خوانده شد. طراحی و آغاز جنگ تجاری آمریکا با چین، رشد بالای اقتصاد صادرات‌محور چین را تا حدی کند کرد و بر سطح مصرف تأثیر نداشت. همین شرایط ادامه همکاری اوپک و روسیه را سرعت بخشید.

شیوع ویروس کووید-۱۹ و زمین‌گیرشدن اقتصاد چین و در ادامه اقتصاد نیمی جهان از جهان که اولین قربانی آن بخش حمل‌ونقل زمینی، هوایی و دریایی بود، مصرف نفت جهان را تحت تأثیر قرار داد. ویروس‌ها و بیماری‌های سال‌های گذشته، عموما از کشورهای قاره آفریقا شیوع می‌شدند. این ویروس از دومین اقتصاد بزرگ جهان شیوع شد و در مدت کوتاهی بقیه اقتصادهای بزرگ دنیا را درگیر کرد؛ اقتصادهایی که همه مصرف‌کنندگان بزرگ نفت هستند.

سه تولیدکننده عمده نفت جهان، عربستان، روسیه و آمریکا، درک درستی از شرایط نداشتند و در بستر بزرگ‌ترین ویروس فراگیر جهانی در سال اخیر، همچنان برای سهم بازار خود مبارزه می‌کردند و توان تاب‌آوری خود در مقابل کاهش قیمت‌ها را به رخ یکدیگر می‌کشیدند. گویا همسه را غافلگیر کرد؛ اما دامنه آن بسیار فراتر از بازار نفت هم رفت. خود در دسامبر ۲۰۱۹ برابر با ۱۰۰.۳۵ میلیون بشکه در روز نفت مصرف می‌کرد. پیش‌بینی اوپک برای رشد مصرف در ۲۰۲۰-۲۰۲۱ حدود ۱.۳ میلیون بشکه در روز بود و تولیدکنندگان در ژانویه ۲۰۲۰ هنوز در حال محاسبه میزان سهم خود از افزایش تولید بودند.

جهان در قرنطینه؛ یعنی جهانی که مصرف نفت آن اولین قربانی است. در دوران پساکرونا جهان نفت کمتری مصرف می‌کند، اما نه‌فقط به دلیل آنکه حمل‌ونقل و رشد اقتصاد کند شده؛ بلکه به دلیل آنکه زنجیره تولید، ژئوپلیتیک جدیدی را در جهان مطرح کرده که پیش‌ران تصوری از آن وجود نداشت. کرونا حالا جهانی‌شدن را هدف قرار داده است؛ مخاطراتی که بشریت در سایه جهانی‌شدن می‌تواند متحمل شود. این حجم از مصرف نفت و گاز و انرژی و انواع سوخت‌ها مبتنیت از اقتصاد جهانی شده است که حجم عظیمی از جابه‌جایی را در بطن خود دارد. در یک دنیای منطقه‌ای، مصرف انرژی در این حجم و با این سرعت رشد صورت خواهد گرفت و از دست می‌دهد.

این اتفاقی نیست که به‌سرعت و بلافاصله انجام شود؛ اما بیشتر از فراهم است. آمریکا تجارت جهانی را بر چین و اتحادیه اروپا دارد؛ اما میزان دادوستد میان آمریکا، کانادا و مکزیک، بیش از چین است. تجارت اروپا ۷۰ درصد از تجارتش میان اعضای اتحادیه است. تجارت ژاپن با کره جنوبی و آسیای جنوب شرقی ۴۵ درصد از تمار تجاری است که به عبارت دیگر، منطقه‌گرایی در واقع در حال تحقق است. البته تعریف موجود از آن در حد بدیهه جهانی‌شدن، تئوریزه نشده و شکل نگرفته است.

در دنیای فراجهانی‌شده، منطقه‌گرایی موجودیت بیشتری خواهد یافت و در آن مصرف انرژی که بخش عمده آن مدیون جابه‌جایی‌ها و حمل‌ونقل است، خارج از موضوع خواهد بود. نفت مصرف خواهد شد؛ اما رشد مصرف و قدر مطلق آن مانند گذشته نخواهد بود. طبق درباره برآورد مبتنی تواین منطقه‌ای‌شدن در دوران پساکرونا و فراجهانی‌شدن نمی‌توان با دقت اظهار نظر کرد؛ اما من آن را پیش‌رونی اقتصاد جهان و بازار نفت می‌دانم.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس، به منطقه‌گرایی، آری گفته بود. در واقع سازمان اکو که از دهه‌های سه در دهه ۱۹۶۰ میلیون ایران، ترکیه و پاکستان درآمد، یک پیمان منطقه‌ای مهم است که از تمام ظرفیت‌های آن استفاده نشده است. شورای همکاری‌های کشورهای منطقه خلیج فارس هم برای اعضای آن دستاوردی نداشت. آسه‌ان (ASEAN) نمونه یک پیمان اقتصادی منطقه‌ای موفق است.

ایران کشور فرصت‌ها و امکانات بالقوه است؛ اما برای تبدیل آنها از بالقوه به بالفعل باید تلاش کرد. ایران به‌دکار نیست. بخش اعظم جمعیت در بازه سنی ۳۰-۳۵ سالگی هستند. ایران مرکز نقل میان آسیای میانه و خاورمیانه است. در یک دنیای منطقه‌ای‌شده، این یک امتیاز و ویژگی ژئواستراتژیک مهم است. اینها یعنی بهشت سرمایه‌گذاری و سرزمین فرصت‌ها.

منطقه‌گرایی فاصله‌ها را می‌کاهد و زنجیره عرضه را کوتاه می‌کند. این یعنی کاهش فاصله‌ها، کاهش حمل‌ونقل و مصرف کمتر بنزین و گازوئیل و انواع انرژی‌ها. کوتاه‌کردن فاصله‌ها فقط از طریق حمل‌ونقل میان کشورها هم نیست. کرونا این باور را ایجاد کرده که ره‌گردآوردهای درون‌شهری هم می‌تواند کمتر و کوتاه‌تر شود. در واقع تمایل به در یک جا ماندن در خانه‌ها دیده است. تمایل به مهاجرت کم شده و کسانی به که کشوری غیر از محل اقامت خود رفته‌اند، سعی دارند که به بازگردند.

من در زمانیه را مغایر با مفهوم جهانی‌شدن نمی‌دانم. این ایرادی است که عمری است که در بالا از آن یاد شد. در دنیای فراجهانی‌شده، بقای کشورها فقط مختص قوی‌ترین نیست. بقا نصیب چابک‌ترین‌هاست؛ سرعت عمل و دیگر موقعیت‌ها بحث اقتصاد تک‌محصولی یا اقتصاد چندمحصولی یا نظام‌های برنامه‌ریزی فعلی کشورها تغییر خواهد کرد. اهداف توسعه، بازتعریف می‌شوند. دوران خداحافظی با نفت دور نیست.

«مدیرکوه مطالعات انرژی ون و مدیرکل پیشین امور اوپک وزارت نفت

دوران خداحافظی با نفت دور نیست

نرسی قربان

نفت پس از شیوع ویروس کرونا و کاهش تقاضای کل، در سطح جهان دچار افت شدید شده و نگرانی‌های جدی‌ای را در اقتصاد جهان ایجاد کرده است. اقتصاد بسیاری از کشورها در این‌رخداد، دچار آسیب جدی شده است اما اقتصاد ایران که به‌واسطه تحریم‌ها اندازه‌ای از وابستگی به نفت رهیده و خوشبختانه هنوز سقوط نکرده، به نظر می‌رسد بتواند از این بحران عبور کند. در این میان، داستان ورود چین قدرت اقتصادی و سیاسی در جهان را برهزه زده و چون هنوز هم که دارویی برای آن کشف نشده، به‌همریختن این قدرت اداره، اکنون قیمت نفت به رقمی رسیده که دیگر هیچ نفتی که تولید آن بیشتر از ۲۵دلار هزینه باشد، تولید نخواهد شد. در ادامه روند کنونی، تمامی شیل‌های آمریکا تقریبا تعطیل خواهد شد، چون کمتر از قیمت‌گذاری ۴۵ دلار در هر بشکه، امکان تولید ندارد. کسانی هم که اکنون به تولید خود ادامه می‌دهند، افرادی هستند که قبلا در بازارهای آینده، نفت خود را پیش‌فروش کرده بودند. در نتیجه وقتی قراردادهای فروش به بازار آینده تمام شود، تولید شیل نیز به اتمام می‌رسد. گفته می‌شود ۱۰ میلیون نفر در آمریکا مشاغل وابسته به صنعت نفت و گاز دارند و این صنعت در حال تعطیل‌شدن است. مدیران شیل‌ویل‌ها و بالا بردها از بانک‌های مختلف برای تولید تسهیلات دریافت کرده‌اند که بازیافت متوقف می‌شود و بانک‌ها نمی‌توانند پول‌هایشان را پس بگیرند که روی سیستم بانکی فشار خواهد آورد. تولید شیل‌گس‌ها در آمریکا چیزی در حدود شش، هفت میلیون بشکه در روز است؛ یعنی آمریکا از کشوری که واردکننده عمده بود به سمت این رفت که در ۲۰۲۰ صادرکننده شود. اما در عمل ممکن است بازهم واردکننده عمده باقی بماند. در نتیجه یک تغییر بزرگ ایجاد می‌شود. در موردنفت کشورهای دیگر که از دریا و مناطق صعب‌العبور است، مثلا در کانادا، تولید کاملا تحت تأثیر این قیمت قرار گرفته و شاید تا حد زیادی متوقف شود. در نتیجه تغییرات ساختاری را شاهد خواهیم بود. در مورد کشورهایی مثل عربستان و امارات که به قیمت نفت خیلی وابسته هستند، یک مسئله را باید در نظر گرفت که صندوق ثروت انرژی عربستان هنوز نزدیک‌به ۱۰ میلیارد دلار است. عربستان در سال ۲۰۱۹ ۶۰۰.۸۰ میلیارد پس‌انداز در صندوق ثروتی دارند. یک تا دو سال به‌راحتی می‌توانند اوضاع را بکدارند. این طور نیست که یکوبیم عربستان فورا از بین برود. البته عربستان خود حدود ۳۰ برابر ایران صادرات نفت دارد. ۲۰ برابر ایران هم از کاهش قیمت خبر خواهد خورد. روسیه نیز بسیار وابسته به نفت و گاز است. برخی کارشناسان می‌گویند اگر نفت به کمتر از ۴۰ دلار در هر بشکه برسد، بودجه روسیه، مشکل‌ساز خواهد شد. نفت در بسیاری از نقاط روسیه نیز به‌ازای هر بشکه ۲۵ دلار استخراج می‌شود. در نتیجه روسیه هم با مشکل عمده‌ای روبه‌رو خواهد شد. البته سعی می‌کنند از طرق دیگری جبران کنند. امروسیه همین‌طور. شرایط امروز بازار برای نفت شیل آمریکا مناسب نیست و ممکن است بسیاری را ورشکست کند و بر همین اساس، در سیاست‌های انتخاباتی آمریکا مؤثر افتد. در منطقه ما عربستان بزرگ‌ترین بازنده است. زیرا قبل از سقوط قیمت نفت حدود ۶۰ میلیارد دلار کسری بودجه داشت که در صورت ادامه قیمت حدود ۲۵دلاری، کسری بودجه آن به حدود ۲۵ درصد بودجه‌اش می‌رسد. ذخایر عربستان در چند سال اخیر از حدود ۷۵۰ میلیارد دلار به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این اتفاقات در ترکیب با مسائل ناشی از کرونا و شیوه‌های برخورد با آن همه با هم می‌تواند منشأ بروز تحولات بین‌المللی و دگرگونی در روابط و جایگاه کشورها باشد.

در بعد جهانی دو سناریو را می‌توان فرض کرد؛ سناریوی اول با حضور ترامپ و سناریوی دوم بدون حضور ترامپ در ریاست‌جمهوری آمریکا. در سناریو اول، شدت سقوط آمریکا به دلیل یک‌جانبه‌گرایی ترامپ در همه زمینه‌ها شدیدتر خواهد شد و چین حتی قبل از سال ۲۰۳۵ به اقتصاد آمریکا می‌رسد و با ایجاد یک ائتلاف غیرآشکار علنی رهبری اقتصاد جهانی را به‌تدریج به دست می‌گیرد.

روسیه نیز از وجود ترامپ بسیار فایده خواهد برد و می‌تواند با حفظ ترامپ و سناریوی دوم بدون حضور ترامپ در ریاست‌جمهوری آمریکا، در سناریو اول، شدت سقوط آمریکا به دلیل یک‌جانبه‌گرایی ترامپ در همه زمینه‌ها شدیدتر خواهد شد و چین حتی قبل از سال ۲۰۳۵ به اقتصاد آمریکا می‌رسد و با ایجاد یک ائتلاف غیرآشکار علنی رهبری اقتصاد جهانی را به‌تدریج به دست می‌گیرد.

در بعد منطقه‌ای عربستان حتی با وجود ترامپ نمی‌تواند مانورهای سابق را بدهد و به‌عنوان قدرت منطقه جولان دهد و به کشورها حمله کند یا گروه‌های تکفیری ایجاد کند. کشورهای دیگر صادرکننده نفت در خلیج فارس نیز وضعیت خوبی نخواهند داشت. این در حالی است که ایدمی کووید۱۹ در زمستان امسال موج جدید اپیدمی را به همراه خواهد داشت. در یک دیدگاه بدبینانه، این بیماری نیز می‌تواند تولید پهلویان را پس بکوبند که این بیماری برای پهلویان نیز بسیار مضر است. در یک دیدگاه خوش‌بینانه، این بیماری می‌تواند تولید پهلویان را پس بکوبند که این بیماری برای پهلویان نیز بسیار مضر است. در غیر این صورت هم قیمت نفت سقوط خواهد کرد و هم رشد اقتصادی منفی برای این کشورها را بیشتر می‌کند.

در این میان، سؤال این است که کشورمان با چه راهکارهایی می‌تواند از بحران کرونا و نفت عبور کند. در پاسخ، به‌طور خلاصه و تیتروار می‌توان گفت ایران باید سیاست‌های تأمین اشتغال و جلوگیری از بی‌کاری افراد و ورشکستگی کسب‌وکارها را با قوت و اجماع ملی پیش ببرد. سیاست‌هایی برای افزایش تقاضای کل و عرضه کل طراحی شود. ساختار بودجه به‌کلی تغییر یابد، یعنی هزینه‌ها اولویت‌بندی شود و فقط بودجه برای هزینه‌های ضروری تعیین و از طرف دیگر راه‌های تأمین بودجه جدید طراحی شود. باید از نقدینگی موجود در جامعه بیشترین بهره را جست. در این زمینه افزایش مالیات در چنین شرایطی که می‌خواهیم تقاضای کل و عرضه کل را افزایش دهیم، یک سیاست خطرناک است و باید به‌طور جدی از آن پرهیز کرد. طراحی برای کل بر به‌شدت تخصصی و کاری بس ظریف است. کسب‌وکارهای ورشکسته خواهند شد و باید جای آن را کسب‌وکارهای جدید بگیرد. باید دولت سیاست‌هایی برای این جابه‌جایی عظیم بیندیشد.

«اقتصاددان، رئیس کل اسبق بانک مرکزی و دبیرکل سابق مجمع صادرکنندگان گاز

همراه با دیگران، پروازمان را شروع کنیم

عباس ملکی

در شرایط کنونی اقتصاد ایران دیگر تک‌محصولی نیست. در سناریویی بدبینانه ایران اکنون حدود صد هزار بشکه نفت در روز صادر می‌کند و به اندازه ایران و دیگر کشورهای مسلمان منابع نفتی داشتند، آن‌گاه تبلیغات علیه نفت بسیار کمتر بود. باوجود استفاده وسیع از گاز طبیعی و همچنین تلاش برای بیشترکردن تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، موقعیت نفت خام بالامعارض باقی مانده است. یکی از فرصت‌های بی‌رقیب برای ایران این است که هر بشکه نفت که در زیر پای ایرانیان در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور است، استخراج شد و درآمد صرف توسعه و آبادانی و افزایش دانایی این مردم شود.

به نظر می‌رسد موفقیتی ویژه برای تصمیم‌گیری صحیح به‌منظور انتقال به دوران پساکرونا برای مسئولان و نخبگان کشور فراهم شده است. اول چه خوب است که سیاست‌مداران کشور به این نتیجه برسند که سیاست‌گذاری در حوزه انرژی از دیگر بردارهای اجتماعی کم‌اهمیت‌تر نیست. تا آنجاکه می‌شود، بخش انرژی کشور را در یک دیدگاه هم‌گرایانه و نزدیک به هم برنامه‌ریزی کرده و برای آینده سناریوهای متعدد طراحی و تولید شود.

دوم تا آنجاکه می‌شود تولید نفت و گاز را بالا ببریم. این دو ماده معدنی، مهم‌ترین مزیت‌های این کشور پس از منابع انسانی آن است. گرچه تحریم به این روند لطمه زده، اما به نظر می‌رسد بهداشتی و دادادگی مدیران این صنعت بیشتر از تحریم در حال ضربه‌زدن به منافع ملی کشور است. اگر ایران در ۱۹۷۶ به ایجاد ظرفیت اضافی می‌پرداخت، از اتحاد آمریکا و عربستان سعودی شکست نمی‌خورد. اگر ما ظرفیتی بیشتر از مقداری که در ۲۰۱۸ نفت تولید می‌کردیم داشتیم، تحریم‌های آمریکا به این راحتی علیه ایران به نتیجه نمی‌رسید.

سوم و همسایگان بیشتر باید کار کرد. با همه آنها بهتر است که حداقل یک خط لوله نفت خام و یک خط لوله انتقال گاز طبیعی داشته باشیم. عجیب نیست که کویت از آمریکا گاز وارد می‌کند و از ایران نه؟

چهارم، دوستان وزارت نفت و وزارت خارجه مزیت ژئوپلیتیک ایران را فراموش کرده‌اند. فروپاشی شوروی بزرگ‌ترین تحول در سیاست خارجی ایران است. اگر از قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان خطوط لوله متعدد به سمت یکی از پرمصرف‌ترین مناطق انرژی یعنی چین ساخته شده، چرا از ایران به آن‌سو خطوط لوله ساخته نشود و اگر خطوط لوله از جمهوری آذربایجان و روسیه به سمت غرب و اروپا در حال کار است چرا از ایران نه؟

پنجم، مصرف انرژی در میان ما ایرانیان بیش از اندازه متوسط شدت انرژی در هر کجای جهان است. ضمن اینکه تولید صنعتی ما هم چندان زیاد نیست. یک گزارش نشان می‌دهد که ایرانیان به اندازه یک میلیون ۲۰۰۰ مگاوات بیشتر نفت معادل، از حامل‌های انرژی به‌صورت تلفات و بازدهی کمتر مصرف می‌کنند. سیاست‌گذاری مبتنی‌بر مقررات جدید و نظام‌نامه‌های دقیق‌تر و بالابردن راندمان بالایکاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال و کم‌کردن بخش‌های اداری و توجه‌دادن مردم به کمتر و درست مصرف‌کردن انرژی از وظایف اصلی دولت است.

ششم، اطلاعات و تحلیل‌های مناسب همراه با استفاده از روش‌های جذاب هنری و همچنین آموزش می‌تواند نقش بی‌بدیل انرژی و منابع را در آن را به مردم کوچه و بازار توضیح دهد. آموزش در این زمینه می‌تواند مشوق توسعه دانایی در میان مردم باشد.

• دیپلمات و دانشیار سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف

فرصت طلایی برای ایران

جواد یارجانی

بسیاری به‌صراحت می‌گویند جهان بعد از کرونا شباهتی به دنیای قبل از کرونا نخواهد داشت. این تصور که شرایط به گذشته برمی‌گردد، درست نیست. مطمئنا نظم خاصی برقرار خواهد شد. بحیفت دولت‌ها تلاش می‌کنند از این اتفاق نه نفع خودشان استفاده کنند. خیلی‌ها معتقدند کشورهای تک‌محصولی دچار بحران‌های عمیقی خواهند شد که این اتفاق زمینه را برای سوءاستفاده کشورهای بزرگ‌تر فراهم می‌کند. رقابت حتما با کم‌می‌گیرد و رقابت آمریکا و چین که سال‌هاست آغاز شده، شدت می‌گیرد.

معلوم نیست این بیماری چقدر طول بکشد؛ اما اگر این بیماری در سال جاری هم تمام شود، تأثیراتش سال‌ها ادامه خواهد داشت و کشورها با آن درگیر خواهند بود. با توجه به اینکه انتهای این تونل مشخص نیست،